



Shair-e-ir

«غوغا»

ای تو تالیف هزاران واژه ی شاعر پرست
رونمایی میکنی و شعر غوغا کرده است
انجمن با یک نگه تصنیف می سازد تو را
صد قلم در راه وصف بی گمان باید شکست
عاشقی در ذهن خود تندیس می سازد ز تو
دیگری هم میشود از کام لبهای تو مست
شوق و آشوبی و محفل میکنی دائم پریش
هر که چاقویی کنارش ، میبرد انگشت دست
ماه عالم میکند تقلید از رخسار تو
آمدی بر پشت بام و ناگه لن خورشید جست
شاعران کوی تو فکر مقفایند و بس
آه ! آیا مصرعی گویای چشمان تو هست؟

ستاره فرخی نژاد

۱

